

اثرات و فواید اذان

<?xml encoding="UTF-8">

اثرات و فواید اذان

اذان؛ عطر جان بخش گلشن محمدی هر دولتی در هر عصر و زمانی برای برانگیختن عواطف و احساسات ملت خود و دعوت آنها به وظایف فردی و اجتماعی از شعارهایی استفاده می کند.

مسیحیان در گذشته و امروز با نواختن صدای ناموزون «ناقوس» پیروان خود را به کلیسا دعوت می کنند، ولی در اسلام برای این دعوت از شعار «اذان» استفاده می شود که به مراتب رساتر و موثرتر است.

جذابیت این شعار اسلامی به قدری است که به قول نویسنده «تفسیر المنار»: بعضی از مسیحیان متعصب، هنگامی که اذان اسلامی را می شنوند، به عمق و عظمت تاثیر آن در روحیه شنوندگان اعتراف می کنند. (1) اذان يك دعوت زنده است که ندای آن از سراسر جهان آفرینش به گوش می رسد.

انسان از لحظه ای که صدای اذان به گوشش می رسد گویی نماز را آغاز می کند.

این ندا زمین و آسمان را به هم پیوند داده و تواضع مخلوق را با عظمت خالق درهم مآمیزد.

چه شعاری از این رساتر که با نام خدای بزرگ آغاز می شود و با گواهی به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر، اوج می گیرد و با دعوت به رستگاری و عمل نیک فرود مآید.

با کلمه «الله» شروع می شود و با آن پایان می پذیرد.

صدای اذان همانند ندای آزادی و نسیم حیات بخش استقلال و عظمت، گوش های مسلمانان راستین را نوازش می دهد و بر جان بدخواهان اضطراب می افکند.

یکی از رمزهای بقای اسلام است؛ چنان که «گلاستون»- یکی از رجال معروف انگلستان - در برابر جمعی از مسیحیان اظهار داشت: «تا زمانی که نام محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) در مآذنه ها بلند است و کعبه پابرجاست و قرآن رهنما و پیشوای مسلمانان است، امکان ندارد که پایه های سیاست ما در سرزمین های اسلامی استوار و برقرار گردد.» (2) تشریع اذان پس از هجرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به مدینه، مهاجر و انصار، کم کم در اطراف پیامبر اجتماع کرده و حکومت اسلامی را برپا نمودند؛ مسجد ساختند و نماز جماعت برپا نمودند.

روز به روز بر عظمت و شکوه دین اسلام افزوده شد؛ بنابراین نیازمند وسیله ای شدند تا مردم را هنگام نماز آگاه سازند.

لذا پیشنهادهای مختلفی به پیامبر داده شد، اما پیامبر هیچ کدام را نپذیرفت، زیرا بعضی از پیشنهادهای رسم یهودیان بود.

به همین خاطر در اولین سال هجرت، اذان به فرمان خداوند توسط جبرئیل بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

سلم) نازل گردید. (3)

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده: هنگامی که جبرئیل اذان را بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل کرد، سر مبارك آن حضرت در دامن علی (علیه السلام) بود.

پس جبرئیل جملات اذان و اقامه را بیان کرد، وقتی حضرت بیدار شد، فرمود: ای علی! آیا شنیدی؟ گفت: آری! فرمود: آن را از بر کردی؟ گفت: آری! فرمود: بلال را صدا کن.

علی (علیه السلام) نیز بلال را صدا زد.

وقتی آمد: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اذان را به او تعلیم داد (4) و دستور داد در اوقات نماز - با صدای بلند و رسایی که داشت - اذان بگوید و او اولین کسی است که در تاریخ اسلام به مقام موذن مفتخر گردید. حال اگر ملت های دیگر با نواختن ناقوس ها و یا وسایل دیگر، مردم را به معابد دعوت می کنند در آیین اسلام، اذان موذن رمز اجتماع مسلمین برای پرستش خدا در مساجد است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نه تنها الفاظ اذان را به بلال تعلیم داد، بلکه اوقات آن را هم به وی یاد داد و به مردم گفت: بلال يك مرد وقت شناس است، هر موقع اذان بگوید، نماز بخوانید. (5) لذا هرگاه آهنگ ملکوتی اذان به موقع از سینه پرسوز بلال به گوش می رسید، همچون روحی بود که در کالبد مرده مردم دمیده می شد و آن ها را زنده می کرد. (6) اگرچه در آن روزگار، کسانی بودند که صوتی دل نشین تر و لهجه ای فصیح تر از بلال داشتند، اما پاك دلی، ایمان و خلوص بلال او را تا آن منزلت رفیع بالا برد. از آن پس بلال همواره همراه پیامبر بود و اذان می گفت.

جایگاه اذان در تبلیغات اذان یکی از ابزارهای تبلیغ است که در دعوت به اسلام سهم مهمی دارد. اذان مشتمل است بر مسائلی مانند: تکبیر، توحید، شهادت به یگانگی و عظمت خداوند، گواهی به رسالت پیامبر، توصیه به نماز و رستگاری و بهترین اعمال و بالاخره با «لا اله الا الله» تمام می شود. نکته قابل توجه در اذان، تکرار جملات است و این تکرار خود یکی از عوامل موثر در جلب توجه مخاطبین به اهمیت موضوع است.

همان گونه که مبلغین نیز معتقدند، تکرار يك پیام از جمله عواملی است که در اقناع، تصدیق و ترغیب مخاطب تأثیر فراوان دارد.

اذان همیشه به عنوان جزیی از عبادت و شعار جاودانه اسلام و گل بانگ توحید مطرح بوده و خواهد بود که دارای دو ویژگی است: الف - سرکوبی دائم کافران و منافقان.

ب - دعوت انسان های مسلمان به حق و رستگاری و کلاس پاك سازی و به سازی است. (7) پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره می فرماید: «ان الشيطان اذا سمع الندی هرب؛ (8) هرگاه شیطان صدای اذان را می شنود، فرار می کند.» و «ان إهل السم لا یسمعون من اهل الارض شیئا الا الاذان؛ (9) همانا اهل آسمان از اهل زمین چیزی جز اذان نمی شنوند.» طبق این دو روایت باید اذان به گونه ای در صحنه باشد که از يك سو موجب طرد شیطان و نابودی مظاهر شیطانی گردد و از سوی دیگر انسان را در ملکوت اعلی سیر دهد و روحیه عرفانی و معنوی او را آن چنان به معراج ببرد که گویی آسمان ها ندای او را می شنوند و از آن ندا لذت برده و به شور و شوق می افتند.

احکام فقهی اذان همه مذاهب اسلامی، اذان گفتن را «مستحب موکد» می دانند، به جز حنبلی ها که می گویند: «واجب کفایی» است. (10) اذان بر دو قسم است: اذان اعلام و اذان نماز (اقامه) که اذان اعلام بایستی اول وقت

گفته شود و اذان نماز، متصل به آن ادا شود؛ هرچند آخر وقت باشد.

اذان در نمازهای واجب یومیه مستحب است، اما در عصر عرفه و جمعه و عشاء مزدلفه ساقط می باشد. برخی گفته اند: علت سقوط اذان در این سه مورد آن است که جمع بین دو نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء مستحب است.

لذا با توجه به این که اصل اذان برای اعلام است، در صورتی که همگان آماده نماز دوم هستند، دیگر نیازی به اذان نیست.

البته اذان برای هر نماز دوم که با نماز اول جمع شود هم ساقط است. (11) مستحب است که بعد از تولد کودک یا پیش از نام گذاری او در گوش راستش «اذان» و در گوش چپش «اقامه» گفته شود، تا به روح بلند او مطالب دل نشین القا شده و در نفس او بذر حقایق پاشیده شود و در دوران کودکی و نوجوانی با همان بذرها بزرگ شده و با پاکیزگی کامل، انسانی مهذب به بار آید.

پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «یا علی اذا ولد لك غلام أو جارية فاذن فی إذنه الیمنی و اقم فی الیسری فانه لا یضره الشیطان إبدأ؛ (12) علی جان هر وقت صاحب پسر یا دختری شدی در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بخوان که هرگز شیطان به او زیان نخواهد رساند.» همچنین مسئله «صدای زن در اذان» در برخی از مباحث فقهی مورد توجه قرار گرفته و گفته اند: آیا گفتن اذان و اقامه برای زن نیز مستحب است؟ و آیا زن می تواند با صدای بلند اذان و اقامه بگوید و مردان نامحرم صدای او را بشنوند، یا فقط می تواند در جمع زنان اذان و اقامه بگوید؟ برخی از فقها گوش دادن به صدای زن نامحرم را حرام دانسته (13) و شرط استحباب اذان و اقامه را مرد بودن دانسته اند، (14) مگر این که برای زنان اذان و اقامه بگوید. برخی نیز گفتن اذان و اقامه را برای زن جایز دانسته اند.

البته برخی با اعتقاد به این که «اذان، اقامه، نماز جمعه و جماعت بر زن واجب نیست» استحباب اذان و اقامه را نفی کرده اند، که معلوم نیست بتواند علت نفی «حرمت صدای زن» باشد. (15) عمرو بن ابی نصر گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: آیا مؤذن می تواند بدون وضو اذان بگوید؟ فرمود: آری، ولی اقامه را با وضو بگوید.

عرض کردم: نشسته می تواند اذان بگوید؟ فرمود: آری، ولی اقامه را ایستاده بگوید. (16)

تصرف خلیفه در اذان اذان دارای هیچده جمله است که بدون کم و زیاد توسط جبرئیل نازل شد که در عصر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، ابوبکر و آغاز خلافت عمر به همین شکل گفته می شد، ولی اهل تسنن (شافعی، حنبلی، حنفی و مالکی) اذان را پانزده جمله می دانند، یعنی جمله «حی علی خیر العمل» جزء اذان نیست.

جمله «لا اله الا الله» نیز يك بار گفته می شود. (17) طبق روایات شیعه عبارت: «حی علی خیر العمل» در عصر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) جزء اذان بود، ولی عمر آن را برداشت و به جای آن «الصلوه خیر من النوم» ابداع کرد.

شخصی از عمر پرسید: به چه دلیل؟ عمر گفت: «اذا سمع عوام الناس ان الصلوه خیر العمل تهاونوا بالجهاد و تخلفوا عنه؛ (18) هرگاه عوام مردم بشنوند که نماز بهترین عمل است، در مورد جهاد سستی می کنند و در نتیجه از رفتن به میدان جهاد سرپیچی می نمایند.» لذا مسلمانانی که بعد از عمر آمدند - به غیر از خاندان پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) و پیروان ایشان - از عمر پیروی نموده و «حی علی خیر العمل» را از اذان و اقامه حذف

کردند! در صورتی که این جمله در طول تاریخ شعار اهل بیت (علیهم السلام) و پیروان آنها بوده و جزء بدیهیات مذهب شیعه به شمار می رفته تا جایی که شهید فخر در زمان هادی، خلیفه عباسی قیام کرد و دستور داد که موذن در اذان خود «**حی علی خیر العمل**» بگوید.

ابن ابی عمیر از امام کاظم (علیه السلام) پرسید: چرا جمله «**حی علی خیر العمل**» در اذان ترك شد؟ امام کاظم (علیه السلام) در پاسخ فرمود: علت ظاهری آن را می خواهی یا علت باطنی را؟ عرض کرد: هر دو را. امام کاظم (علیه السلام) فرمود: «علت ظاهری آن این بود که مبادا مردم با تکیه به نماز، جهاد را رها کنند اما علت باطنی آن این بود که عبارت (خیر العمل) ولایت امامان (علیهم السلام) بر حق است» (19) لذا کسی که دستور داد تا جمله «حی علی خیر العمل» در اذان حذف شود، (عمر) به این منظور بود که مردم به سوی ولایت امام حق توجه نکرده و احساساتشان به نفع ولایت تحریک نشود. آثار و فواید اذان اذان عبادتی است که دارای ابعاد مختلفی بوده و هر يك از جملات آن دارای آثار و فواید تربیتی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ای است که مهم ترین آنها بدین شرح است:

1. وقت نماز را برای بندگان تعیین می کند.
2. مفاهیم عالی اعتقادی را تعلیم می دهد.
3. مردم را به عبادت تشویق می کند.
4. سبب بیداری غافلان است.
5. مردم را به وحدت و یکپارچگی دعوت می کند.
6. مسلمانان را به وقت شناسی و نظم در کارها دعوت می کند.
7. دافع شیطان است؛ چنان که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرگاه در تنهایی وحشت زده شدید و پنداشتید که شیاطین از جن می خواهند سر راه شما را بگیرند، اذان بگویید. (20)
8. زمینه را برای تربیت معنوی کودکان آماده می کند.
9. اذان موجب غم زدایی است.
10. اگر اذان از روی ایمان و اخلاص گفته شود، خداوند گناهان گوینده آن را می بخشد: «**من اذن فی سبیل الله صلوه واحده ایمانا و احتسابا تقربا الی الله. غفر الله له سلف من ذنوبه**؛ (21) کسی که برای خدا، اذان يك نماز را از روی ایمان و اخلاص بگوید، خداوند گناهان گذشته او را می بخشد.»
11. روزی را زیاد می کند.

سلیمان بن عقیل گفت: به حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) عرض کردم: چرا انسان باید همراه با موذن اذان بگوید؟ فرمود: این کار موجب افزایش روزی می شود. (22)

12. گواهی به ولایت و امامت حضرت علی (علیه السلام) می دهد.

از آن جا که بنی امیه و بنی مروان، گستاخی را به جایی رساندند که (العیاذ بالله) لعن و سب حضرت علی (علیه السلام) را جزء اذان و اقامه قرار دادند، و با صدای بلند اعلام می نمودند و منکر اسلام و ایمان حضرت علی (علیه السلام) شدند در حالی که آن حضرت نخستین کسی بود که اسلام را پذیرفت.

بنابراین شهادت به ولایت حضرت علی (علیه السلام) در اذان، انسان را در مسیر «صراط مستقیم» ثابت قدم نگاه می دارد.

پی نوشت ها:

1. تفسیر نمونه، ج4، ص.437
2. داعی السّمٰ، عباس محمود عقاد، ص437 و 438.
3. سیره ابن هشام، ج1، ص.154
4. وسایل الشیعه، حر عاملی، ج4، ص.612
5. مجله مکتب اسلام، سال 9، شماره5، ص.20
6. بحارالانوار، ج22، ص.245
7. اهمیت اذان و اقامه، ترجمه محمد محمدی اشتیاردی، ص.25
8. کنز العمال، متقی هندی، حدیث 20951
9. میزان الحکمه، ری شهری، ج1، ص.82
10. دایره المعارف جامع اسلامی، حسینی دشتی، ج2، ص.62
11. همان، ص65 و 66.
12. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، ص.14
13. جواهر الکلام، شیخ حسن نجفی، ج29، ص.97
14. مجله پیام زن، سال 9، شماره 10، دی ماه 1379، ص27 به نقل از شرایع الاسلام محقق حلی.
15. همان، ص.25
16. دایره المعارف جامع اسلامی، ج2، ص66. 17. الفقه علی المذاهب الخمسه، محمد جواد مغنیه، ص.119
18. بحارالانوار، ج84، ص.156
19. اهمیت اذان و اقامه، ص.37
20. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص.195
21. بحارالانوار، ج84، ص.157
22. همان، ص.177.